

Jostar- Hay Fiqhi va Usuli
(Jurisprudence and Principles of Jurisprudence) (JFU)

Vol 6 ; No 18 ; Spring 2020

Print ISSN 2476-7565

Online ISSN 2538-3361

An analysis of Discrimination Rule in Authority¹

Doi: 10.22081/jrj.2019.53393.1630

Belal Shakeri

(Ph.D. student of juresprudence and basis of low Ferdowsi university; Mashhad ;Iran);
(Corresponding Author); E mail: b.shakeri@mail.um.ac.ir

Mohammad Taqi Fakhlae

(Department of Jurisprudence, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad
(FUM), Mashhad, Iran); E mail: fakhlaei@ferdowsi.um.ac.ir

Received in: 2019/01/24

Accepted in: 2019/09/15

Abstract

The rule of discrimination in the authority of hadith is one of the rules mentioned by jurists, the various aspects of which are not well explained. In the present article, various perspectives on the rule in the two positions of affirmation and proof are examined. In the present article, it is proved that the rule of discrimination in authority is acceptable in terms of the proof, and as an affirmative rule, there are seven folded reasons for its validity. The rule applies to narrations that have a non-analytical implication and whose clauses are independent and have independent rulings, but if the implication implies an analytical or non-analytical continuum and has a plays a significant role in proving the principle or it mea at least be dubious.

An analysis of
Discrimination Rule
in Authority
7

1 . Shakeri , B (2020);An analysis of Discrimination Rule in Authority; Jostar- Hay Fiqhi va Usuli; Vol: 6 ; No: 18 ; Page: 7-33 - doi: 10.22081/jrj.2019.53393.1630

As the reason of conduct is non-verbal and plays an important role in proving the rule and determining its scope, this rule is not applicable in dubious cases. Such a detail accords with the seven folded reasons of rules authority as well.

Keywords: Solitary hadith authority, discrimination of authority, compliance of implication reasoning from confirmative implications, non- Dissolutive guaranteed implications.

واکاوی قاعده تبعیض در حجیت^۱

بلال شاکری^۲

محمدتقی فخلعی^۳

چکیده

قاعده تبعیض در حجیت خبر از جمله قواعد مطرح در کلمات فقهاست که جوانب مختلف آن به خوبی تبیین نشده است. در نوشتار پیش رو، دیدگاه‌های مختلف درباره قاعده در دو مقام ثبوت و اثبات بررسی شده است. در نوشتار حاضر روشن شده است که قاعده تبعیض در حجیت مشکل ثبوتی ندارد و در مقام اثبات، ادله هفت‌گانه بر اعتبار آن وجود دارد. قاعده نسبت به روایاتی که دلالت تضمینی غیر تحلیلی دارند و فقرات آن مستقل و دارای احکام مستقل باشند، جاری است، اما اگر دلالت تضمینی تحلیلی باشد یا غیر تحلیلی پیوسته و دارای حکم واحد باشد، قاعده جاری نیست یا لاقلاً مشکوک است. با توجه به لَبّی بودن دلیل سیره که نقش پررنگی در اثبات قاعده و تعیین محدوده آن دارد، نمی‌توان در موارد مشکوک، قاعده را جاری ساخت. این تفصیل با ادله هفت‌گانه حجیت قاعده نیز سازگار است.

کلید واژه‌ها: حجیت خبر واحد، تبعیض در حجیت، تبعیت دلالت تضمینی از دلالت مطابقی، دلالت تضمینی انحلالی و غیرانحلالی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۴؛

۲. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه مشهد و دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد-ایران؛ رایانامه: b.shakeri@mail.um.ac.ir

۳. استاد تمام فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد-ایران؛ رایانامه: fakhlaei@ferdowsium.ac.ir

مقدمه

حجیت خبر واحد، یکی از اصلی‌ترین مباحث مطرح نزد دانشیان اصول است و جنبه‌های مختلف آن واکاوی شده است. از جمله نکاتی که جای بحث مستقل آن نزد اصولیان خالی می‌نماید، تبعیض در حجیت است. درباره این قاعده، سؤالات و نکات فراوانی وجود دارد. این نوشتار در پی امکان‌سنجی قاعده و همچنین قابلیت اثبات یا انکار آن بر آمده، به تبیین دقیق قاعده از منظر دانشیان اصول می‌پردازد.

پیشینه و خاستگاه قاعده

تبعیض^۱ در حجیت، اصطلاحی است که در کتاب‌های فقهی و اصولی مطرح شده است، اما دانشوران این دو علم به صورت مستقل بدان نپرداخته‌اند، بلکه به مناسبت در هر مورد به بیان نکاتی درباره آن اکتفا کرده‌اند. چه بسا نکاتی که درباره این قاعده، تنها ذیل مسائل بیان شده است. به نظر می‌رسد، تبعیض در حجیت می‌تواند به عنوان یک قاعده مستقل^۲ در علم اصول مطرح شود؛ هر چند تاکنون جایگاه اصلی خود را در این علم نیافته است. این قاعده نیز همچون سایر قواعد اصولی باید روند تکاملی را پیموده، به عنوان قاعده‌ای مستقل در علم اصول، مطرح و جایگاه خود را در ساختار آن بیابد. نوشتار پیش‌رو را می‌توان اولین گام در بیان مستقل این قاعده با واکاوی جوانب مختلف آن دانست.

برای تبیین مراد از قاعده، باید به موارد کاربرد آن در اصول فقه توجه کرد؛ زیرا تبعیض در حجیت در جایگاه‌های مختلفی از اصول فقه مطرح شده است. هر چند بین موارد مختلف، تشابه اسمی وجود دارد و از عنوان تبعیض در حجیت استفاده شده، تفاوت‌های اساسی میان این موارد وجود دارد که وجود چند قاعده مختلف در

جستارهای
فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۸
بهار ۱۳۹۹

۱۰

۱. تبعیض وصف عمل فقیهان و تبعیض وصف حجیت دلیل است. اگر آنچه در قاعده مد نظر است عمل فقیهان در پذیرش حجیت بخشی از روایت باشد، باید گفت قاعده تبعیض در حجیت؛ اما اگر وصف حجیت دلیل مد نظر باشد، باید گفت تبعیض در حجیت. با توجه به کاربرد بیشتر واژه «تبعیض» در کلمات اصولیان و فقیهان، در این جستار از واژه تبعیض در حجیت استفاده می‌شود.

۲. از آنجا که این قاعده، قابلیت دارد در کبرای قیاس استنباط قرار گیرد، باید آن را به عنوان مسئله اصولی دانست. در صورت پذیرش قاعده، می‌توان در استدلال به روایات مختلف برای کشف حکم شرعی از آن بهره جست.

جای جای علم اصول فقه را القا می کند. وجه اشتراک تمام این کاربردها، تبعیض در حجیت است، اما کارکرد و ضابطه هر بخش با دیگری متفاوت است؛ بنابراین، ابتدا باید مشخص شود که در این جستار کدام معنا در حال بررسی است و خاستگاه آن کدام بخش از اصول فقه است.

موارد کاربرد قاعده تبعیض در حجیت عبارت است از:

۱. تبعیض به لحاظ دلالت مطابقی و تضمینی^۱

این تبعیض به این معناست که اگر دلالت مطابقی از حجیت ساقط شود، موجب سقوط حجیت دلالت تضمینی نمی شود؛ مثلاً اگر بینه ای گواهی دهد، ده درهم دست زید از اموال عمرو است و بینه دیگری اقامه شود که پنج درهم آن از اموال علی است، پنج درهم به عمرو داده می شود و در پنج درهم دیگر، بین دو بینه تعارض واقع می شود (ر.ک: حسینی شیرازی، ۱۴۲۷، ۲۳۰/۹).

واکاوی قاعده تبعیض
در حجیت

۲. تبعیض به لحاظ دلالت مطابقی و التزامی

تبعیض بین دلالت مطابقی و التزامی در حجیت نیز به این معناست که با سقوط دلالت مطابقی از حجیت، دلالت التزامی همچنان حجت است. لذا در تعارض ادله، هر چند دو دلیل به لحاظ مطابقی از حجیت ساقط می شوند، نفی حکم ثالث (دلالت التزامی) بر جای خود باقی است (ر.ک: حلی، ۱۴۳۲، ۱۳۹/۱۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰، ۴۲۹/۴؛ مصطفوی، ۱۴۲۶، ۱۶۹/۲؛ محقق داماد، ۱۳۸۲، ۳۰۲/۱-۳۰۳؛ حسینی میلانی، ۱۴۲۸، ۱۹۰/۳-۱۹۲).

۳. تبعیض به لحاظ ملازمات

از جمله موارد تفکیک در حجیت، تفکیک بین ملازمات است؛ مثلاً وقتی بینه بر سرقت قائم شود، این بینه تنها ضمان را ثابت می کند نه قطع دست را؛ زیرا برای

۱. مراد از دلالت تضمینی، بخش های مختلف یک روایت یا متن است که ممکن است به لحاظ محتوایی و مضمونی با سایر بخش ها مرتبط باشد و مضمونی پیوسته ایجاد کنند یا چنین پیوستگی موجود نباشد و هر بخش عبارت دارای مضامینی مستقل از سایر بخش های روایت و متن باشد.

قطع دست چهار شاهد لازم است (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۱، ۲/۲۲۳).

۴. تبعیض در حجیت اصول لفظیه به لحاظ اصل و عکس

از جمله موارد تبعیض در حجیت، مسئله اصول لفظیه است که علما حجیت در اصل را قائل شده‌اند، ولی در عکس نقیض آن قائل نشده‌اند؛ مثلاً وقتی مولا گفته است: اکرم العلماء، اصالة العموم می‌گوید: اکرام تمام علما واجب است. عکس نقیض این اصل، عالم نبودن هر کسی است که اکرامش واجب نیست (عراقی، ۱۴۱۱، ۲/۳۰۴؛ حلی، ۱۴۳۲، ۵/۱۳۶-۱۳۷).

۵. تبعیض به لحاظ صدور

معنای تبعیض به لحاظ صدور آن است که پذیرفته شود بخشی از روایت موجود، کلام معصوم علیه السلام است و از ایشان صادر شده است و بخشی از روایت، کلام ایشان نیست و از معصوم علیه السلام صادر نشده است.^۱ به برخی نسبت داده شده است که این نوع تبعیض را پذیرفته‌اند (ر.ک: حسینی روحانی، ۱۴۱۳، ۷/۴۴۰)، اما برخی این گونه تبعیض را غیر معقول دانسته و آن را نپذیرفته‌اند (ر.ک: خویی، ۱۴۲۲، ۲/۵۱۵؛ آملی، ۱۴۰۶، ۳/۳۰۰؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۳۱، ۶/۳۶۷؛ صالحی مازندرانی، ۱۴۲۴، ۴/۳۹۰؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۳، ۷/۴۳۹-۴۴۱؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷، ۹/۲۳۰).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۸
بهار ۱۳۹۹

۱۲

۶. تبعیض در حجیت اجماع منقول

شیخ انصاری تبعیض در حجیت را در بحث فائده اجماع نیز مطرح می‌کند که قول ناقل اجماع در آن میزان که حسّی است، پذیرفته می‌شود (انصاری، ۱۴۱۶، ۱/۱۰۳).

۷. تبعیض در حجیت علم اجمالی

از دیگر موارد کاربرد قاعده، مسئله علم اجمالی است؛ بدین صورت که تفکیک

۱. البته چنانچه در ادامه می‌آید، این نوع از تبعیض در کلمات برخی به عنوان تالی فاسد بحث تبعیض در حجیت مطرح شده است (ر.ک: آملی، ۱۴۰۶، ۳/۳۰۰) هر چند به نظر می‌رسد چنین تالی فاسدی وجود نخواهد داشت.

بین حرمت مخالفت قطعیه و وجوب موافقت قطعیه را تفکیک در حجیت علم دانسته و آن را محال عقلی شمرده‌اند (اراک، ۱۳۷۵، ۹۶/۲).

هر یک از موارد هفت گانه بالا به صورت مستقل جای بحث جدی دارد تا مشخص شود آیا قاعده تبعیض در حجیت در آن‌ها جاری و معتبر است یا خیر؟ آنچه در این نوشتار مورد واکاوی و بررسی قرار می‌گیرد، تبعیض حجیت به لحاظ مدلول تضمینی است. به عبارتی، اگر یک روایت دارای شرایط حجیت، وجود داشته باشد که برخی از مضامین و فقرات آن به علت مانعی همچون تعارض از حجیت ساقط شود، آیا سایر فقرات روایت به حجیت خود باقی است؟ بنابراین، تبعیض در حجیت چنین تعریف می‌شود: «ثبوت حجیت برای بخشی از روایت و سقوط حجیت از بخش دیگر آن» (صنقور، ۱۴۲۸، ۴۴۱/۱).

تبعیض حجیت در مدلول تضمینی، علاوه بر کارکردها و آثار فقهی، در مباحث مختلف اصولی نیز کاربرد دارد؛ چنان که در مباحثی همچون حجیت عامّ مخصوص در باقی افراد (ر.ک: صدر، ۱۴۱۷، ۱۲۱/۷؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۴، ۶۹/۲ و ۱۴۵/۴) و تعارض عامین من وجه (ر.ک: خویی، ۱۴۲۲، ۵۱۷/۲؛ خرازی، ۱۴۲۲، ۲۵۴-۲۵۳/۳؛ جزایری، ۱۴۱۵، ۱۷۴/۸) از آن استفاده شده است.

واکاوی قاعده تبعیض
در حجیت

دیدگاه‌ها

نسبت به قاعده تبعیض در حجیت، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. این دیدگاه‌ها را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱. مقام ثبوت

به لحاظ امکان عقلی این قاعده، دو فرضیه مطرح شده است:

- ۱- استحاله تبعیض در حجیت (آملی، ۱۴۰۶، ۳۰۰/۳؛ خرازی، ۱۴۲۲، ۲۵۴-۲۵۳/۳).
- ۲- امکان تبعیض در حجیت (حکیم، ۱۴۱۶، ۴۱۰/۳ و ۳۸۹/۹؛ آملی، ۱۳۸۰، ۱۱۹/۲ و ۴۵۸/۴؛ حکیم، ۱۴۲۵، ۱۷۴).

۲. مقام اثبات

کسانی که به لحاظ ثبوتی، محذوری برای قاعده ندیده‌اند، در مقام اثبات و

دلالت، نظرهای متفاوتی بیان کرده‌اند:

۱- پذیرش قاعده به صورت مطلق و ادعای وقوع تبعیض (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۴، ۳۰۴/۱ و ۳۷۳/۳، خویی، ۱۴۲۸، ۷۹۵/۲؛ حکیم، ۱۴۳۱، ۳۶۷/۶؛ جزایری، ۱۴۱۵، ۱۷۴/۸؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷، ۲۳۰/۹).

۲- عدم پذیرش مطلقاً و نبود دلیل اثباتی بر آن (صدر، ۱۴۱۷، ۳۱۵/۵ و ۲۹۳/۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ۲۵۹/۳).

۳- تفصیل در مسئله:

(۱) تفصیل بر اساس مبنای حجیت خبر واحد (مجدد شیرازی، ۱۴۰۹، ۳۱۲/۴؛ بروجردی، ۱۴۱۶، ۲۴۸؛ خمینی، ۱۴۲۱، ۲۷۳/۲؛ منتظری، بی تا، ۶۸؛ خمینی، ۱۴۱۸، الخلل فی الصلاة، ۲۱۶).

(۲) تفصیل بر اساس دلالت تضمینی تحلیلی و غیر تحلیلی^۱ (صدر، ۱۴۱۷، ۲۵۰/۷-۲۵۱).

(۳) تفصیل بر اساس مرتبط یا نامرتب بودن بخش‌های یک دلیل (حکیم، بی تا، ۳۲۸/۵؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ۱۴۰/۱۱-۱۴۱؛ مختاری و صادقی، ۱۴۲۶، ۱۰۳۶/۲).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۸

بهار ۱۳۹۹

۱۴

نقد و بررسی دیدگاه‌ها

با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده درباره این قاعده باید ادله مختلف هر دیدگاه مورد کنکاش قرار گیرد تا نظر حق مشخص شود. با توجه به اشکالات ثبوتی و اثباتی نسبت به قاعده، در گام نخست باید قاعده در مقام ثبوت و سپس در مقام اثبات بررسی شود.

بررسی ثبوتی قاعده

قائلان به عدم امکان تبعیض در حجیت مدلول یک دلیل گفته‌اند: پذیرش تبعیض در دلالت، مستلزم تالی فاسدی است که باطل و غیر معقول است. پس تبعیض در

۱. دلالت تضمینی تحلیلی در واقع یک تحلیل عقلی است (تعدد و استقلالی وجود ندارد) و تنها یک مدلول وجود دارد، اما دلالت تضمینی غیر تحلیلی، دلالتی است که دارای افراد واقعی، متعدد و مستقل است و تفکیک بین آن‌ها معنا دارد. از نظر عقلاً تفکیک در این موارد مشکلی ندارد.

دلالت هم ممکن نیست؛ زیرا تبعیض در دلالت به تبعیض در سند (تبعیض صدور) باز می‌گردد؛ یعنی بنا بر تبعیض در دلالت باید گفت، کلام راوی از جهتی صادق و از جهتی کاذب باشد. چون چنین تبعیضی معقول نیست، پس تبعیض در دلالت هم معقول نیست (آملی، ۱۴۰۶، ۳/۳۰۰).

در پاسخ باید گفت:

۱. تبعیض در صدور غیر معقول نیست^۱ تا بازگشت تبعیض در دلالت بدان با مشکل مواجه شود؛ چون:

۱- تبعیض واقعی محال است، اما محل کلام، امور تعدی و مسئله قانون‌گذاری است که از امور اعتباری هستند؛ در امور اعتباری تبعیض حتی در ناحیه صدور مشکلی ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰، ۴/۴۲۳).

۲- تبعیض در صدور اگر به معنای عدم صدور (کذب) باشد، اشکال وارد است؛ اما اگر به معنای صدور تقیه‌ای^۲ یا خطا و اشتباه راوی باشد، دیگر تبعیض مشکلی ندارد و ممکن است بخشی از روایت به لحاظ صدور حجت باشد و بخشی حجت نباشد (همدانی، ۱۳۷۷، ۲/۱۲۶). بنابراین، نمی‌توان مطلق تبعیض در صدور را غیر معقول دانست.

واکاوی قاعده تبعیض
در حجیت

۱۵

۲. با فرض اینکه تبعیض در صدور نیز غیر معقول باشد، بازگشت تبعیض در دلالت به تبعیض در صدور پذیرفتنی نیست؛ چون بنا بر حجیت خبر از باب تعدد، شارع می‌تواند ما را تنها به بخشی از روایات متعبد کند. این تفکیک منجر به تبعیض در حجیت صدور هم نمی‌شود که دارای اشکال باشد. بلکه به معنای ترتیب آثار راجح در بخش دارای تعارض است (مجدد شیرازی، ۱۴۰۹، ۴/۳۱۲).

۱. برخی اگرچه تبعیض در صدور را غیر معقول ندانسته‌اند، اما آن را از ظاهر اخبار بسیار بعید دانسته‌اند (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۱، ۶/۳۶۷).

بنابر این سخن، اشکال مطرح شده اثباتی است نه ثبوتی. اما پاسخ همان است که تفکیک در دلالت بازگشتی به تفکیک در صدور ندارد. بنابراین با فرض ناتمام بودن تبعیض در سند و از حیث صدور، تبعیض در دلالت دچار اشکال نخواهد شد.

۲. باید توجه داشت که اگر احتمال تقیه مطرح شود، دیگر ارتباطی به تبعیض از نظر سند و صدور نخواهد داشت بلکه مربوط به جهت صدور است. لذا این احتمال نمی‌تواند تفکیک در صدور را تصحیح کند. اما احتمال خطا و اشتباه راوی این تفکیک را امکان‌پذیر می‌کند.

از نظر نگارندگان، تالی فاسد ادعایی در تبعیض حجیت مدلول یک روایت، ناتمام است و تبعیض در حجیت به لحاظ ثبوتی بی‌اشکال است؛ زیرا تبعیض در صدور به معنای صدق و کذب راوی نیست، بلکه به معنای این است که به سبب مانع بیرونی، تنها قابلیت تمسک وجود ندارد. در ضمن، اثبات این نکته که تبعیض در دلالت قطعاً به تفکیک در صدق و کذب بر می‌گردد، نیز ادعایی بدون دلیل است؛ زیرا بر اساس مبانی مختلف در حجیت خبر واحد باید گفت، بنابر تبعیض دانستن حجیت خبر واحد چنانچه در اشکال دوم بیان شد، واضح است که شارع می‌تواند چنین تبعیضی را لحاظ کرده و مکلف را بدان متعبد کند و در بحث استحاله و امکان عقلی، اثبات امکان حتی در یک فرد و بر اساس یک مبنا کافی است که در مقام ثبوت قاعده ممکن دانسته شود. هر چند بر اساس مبنای حجیت عقلایی نیز می‌توان گفت تبعیض در حجیت امکان‌پذیر است؛ چون ممکن است عقلاً به چنین تبعیضی تن دهند و مانع عقلی از آن وجود ندارد.

بررسی اثباتی قاعده

چنان که گذشت، درباره قاعده تبعیض در حجیت در مقام اثبات، اختلاف بسیاری میان دانشیان اصول و فقه واقع شده است و دیدگاه‌های مختلفی در این باره مطرح شده است. در ادامه ادله، هر دیدگاه به لحاظ دلالتی بررسی می‌شود.

ادله منکران قاعده

منکران قاعده استدلال‌ها و اشکال‌هایی را در نفی قاعده مطرح کرده‌اند:

۱. عدم دلالت ادله حجیت خبر واحد (سیره عقلا)

با توجه به این که موضوع سخن، تفکیک در دلالت خبر واحد است، باید برای اثبات جواز تبعیض در حجیت مداللیل، به ادله حجیت خبر واحد مراجعه کرد که آیا شامل تبعیض در حجیت می‌شوند؟ با مراجعه به ادله حجیت خبر واحد باید گفت، این ادله شامل تبعیض در حجیت نمی‌شوند (خمینی، ۱۴۱۸، تحریرات فی الأصول، ۸/۳۴۰). این کلام اگر چه به صورت مطلق بیان شده است، اما مستشکل در جای دیگر

می گوید: با توجه به این که دلیل حجیت خبر واحد بنای عقلاست، این دلیل چنین تفکیکی را ثابت نمی کند؛ لذا تبعیض در حجیت ناتمام است (خمینی، ۱۴۱۸، الخلل فی الصلاة، ۲۱۶).

به نظر می رسد اصل اشکال در دلالت سیره و بنای عقلا نسبت به چنین تبعیضی است؛ چنان که دیگرانی نیز همین اشکال را به لحاظ عدم دلالت سیره و بنای عقلا بر تبعیض در حجیت مدلول یک دلیل مطرح کرده اند (ر.ک: بروجردی، ۱۴۱۶، ۲۴۸؛ خمینی، ۱۴۲۱، ۲۷۳/۲؛ منتظری، ۱۴۲۸، ۱۴۱). برخی نیز مرتبه ای بالاتر را ادعا کرده و نبود بنای عقلا بر تفکیک را مطرح نکرده اند، بلکه بنا و ارتکاز عقلایی را بر عدم تفکیک دانسته اند: تبعیض در حجیت مدالیل پذیرفتنی نیست؛ زیرا بر خلاف مرتکرات عقلایی است و از نظر عقلا، اماره بودن یک دلیل به نسبت تمام مدالیلش به یک اندازه است و قابل تفکیک و تبعیض نیست (صدر، ۱۴۱۷، ۳۱۵/۵ و ۲۹۳/۷).

۲. تمسک به قدر متیقن سیره عقلا

واکاوی قاعده تبعیض
در حجیت

وقتی بخشی از یک روایت از حجیت ساقط شود، نسبت به سایر فقرات از نظر عرف و عقلا، شک حاصل می شود و دیگر قابل تمسک نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ۲۵۹/۳). در حقیقت، بنای عقلا دلیل لئی است و در مواردی که نسبت به شمول دلیل لئی شک و تردید وجود دارد، باید به قدر متیقن آن اخذ کرد. درباره قاعده تبعیض در حجیت نیز اگر عدم دلالت یا دلالت بر عدم بنای عقلا نسبت به تبعیض را نپذیریم، لا اقل نسبت به شمول چنین بنایی بر تفکیک در حجیت مدالیل، شک داریم و باید به قدر متیقن یعنی جایی که تمام مدلول های یک دلیل معتبر و حجت هستند، تمسک کرد.

۳. غیر معقول بودن تفکیک و زوال وثوق و اطمینان نسبت به روایت

سقوط حجیت نسبت به بخشی از روایت، یا به سبب تعارض با یک دلیل قطعی است که در این صورت عرفاً تفکیک غیر معقول است؛ یا به سبب وجود اماره عرفی بر خلل در بخشی از روایت است که در این فرض وثوق و اطمینان از روایت زائل

شده و آن روایت دیگر حجت نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۴۰۸، ۳/۳۴۲).

۴. وجود موارد نقض

مواردی در فقه وجود دارد که در آن‌ها کسی تبعیض در حجیت را نپذیرفته است؛ مانند وقف و وصیت که اگر حجیت و اعتبار در بخشی از آن‌ها ساقط شود، شک به سایر بخش‌ها نیز سرایت می‌کند و دیگر قابل تمسک نیست. وجود این موارد نشان از نقض قاعده دارد؛ در نتیجه، قاعده تبعیض در حجیت پذیرفتنی نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ۳/۲۵۹).

در پاسخ به این استدلال‌ها و اشکال‌ها باید گفت:

۱. درباره سیره و بنای عقلا اختلاف نظر وجود دارد و طرفداران تبعیض در حجیت، در برابر منکران آن، دقیقاً به وجود سیره عقلایی بر تفکیک استناد کرده‌اند (خویی، ۱۴۲۸، ۲/۷۹۵)؛ بنابراین، استدلال به سیره عقلا به نحو مطلق برای هر دو گروه ناتمام است. حال آیا وجود دو ادعای مختلف درباره سیره و دلالت آن، موجب شک در دلالت سیره و اخذ به قدر متیقن می‌شود یا خیر؟ پس از بررسی استدلال قائلان به تبعیض در حجیت، مفصل به این پرسش می‌پردازیم.

۲. سقوط حجیت کل روایت به سبب وجود معارض قطعی در بخشی از روایت، یک ادعای نیازمند به اثبات است؛ زیرا نظر مخالف، ادعای سقوط حجیت تنها در همان مدلول دارای معارض را دارد و سایر مدالیل روایت را همچنان معتبر و حجت می‌داند.

۳. شک در حجیت به دلیل وجود اماره عرفی بر سقوط بخشی از مدلول نیز ناتمام است؛ زیرا:

۱- این اشکال تنها بنابر مبنای وثوق خبری قابلیت طرح داشته و موجب زوال اطمینان نسبت به روایت می‌شود، اما بنابر مبنای وثوق مخبری، وجود قرینه عرفی

۱. روایت مظنون الصدور باشد هر چند راوی ضعیف باشد (آملی، ۱۳۹۵، ۳/۱۸۲؛ محمدی، ۱۳۸۷، ۲/۱۰).

۲. حصول وثوق و اطمینان از ناحیه راوی باشد (آملی، ۱۳۹۵، ۳/۱۸۲؛ محمدی، ۱۳۸۷، ۲/۱۰).

هیچ خللی از نظر حجیت، به روایت وارد نمی‌کند.

۲- در ضمن بنابر مبنای وثوق خبری نیز اشکال وارد نیست؛ چون این روایت فی نفسه شرایط حجیت را داشته و مضمون و مدلول آن مورد وثوق بوده است، اما به سبب مانعی، بخشی از آن قابلیت تمسک را از دست داده است؛ بنابراین، نسبت به باقی فقرات روایت، اگر شک شود که قابلیت استدلال دارد یا خیر، ممکن است گفته شود، با توجه به این که حالت سابقه روایت حجیت بوده و حجیت از جمله احکام وضعی شرعی است، با شک در سقوط آن می‌توان حجیت را استصحاب کرد. هر چند درباره چنین استصحابی ممکن است اشکال شود که حجیت، قابل استصحاب نیست.^۱

۳- اشکال دیگر به چنین استصحابی این است که، صورت مسئله از موارد شک در مقتضی است و جریان استصحاب در آن محلّ اختلاف است.

به هر حال، بنابر نظر کسانی که استصحاب را در فرض شک در مقتضی جاری می‌دانند، حجیت بخش‌های بدون معارض روایت با استصحاب حجیت قابل اثبات است.

واکاوی قاعده تبعیض
در حجیت

۱. درباره دو احتمال مطرح شده درباره جریان استصحاب نسبت به حجیت که از جمله احکام وضعی است، می‌توان گفت:

چنان که معروف است، اصل هنگام شک در حجیت، عدم حجیت است (انصاری، ۱۴۱۶، ۵۰/۱؛ صدر، ۱۴۱۷، ۲۲۱/۴)؛ بنابراین، استصحاب در موارد شک در حجیت جاری نیست و اصل عدم حجیت جاری است. اما به نظر می‌رسد این مسئله تأمل و بررسی بیشتری می‌طلبد. به تعبیری دیگر، یکی از مسائلی که می‌توان و باید درباره آن به پژوهش پرداخت، این نکته است که آیا حجیت قابلیت استصحاب دارد یا خیر؟ به تعبیر دیگر، آیا اصول عملیه چنان که در مسائل فقهی قابل تمسک هستند، در مسائل اصولی نیز چنین قابلیت را دارند و می‌توان مسئله اصولی را با تمسک به آنها ثابت دانست؟ مانند این سؤال و مسئله درباره امارات نیز مطرح است و از جمله مسائلی که در علم اصول محلّ مناقشه و معرکه آرا قرار گرفته، تمسک به امارات در مسائل اصولی است (رک: حلی (محقق حلی)، ۱۴۲۳، ۲۲۷؛ قمی (میرزای قمی)، ۱۴۳۰، ۴۴۹/۲؛ اصفهانی، ۱۴۲۹، ۴۶۷/۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۶، ۷۳/۱؛ صرامی، ۱۳۹۲: ۴-۲۰). این نکته درباره اصول علمیه نیز قابل طرح است و نیازمند بررسی مستقل است که آیا تمسک به اصول عملیه در گزاره‌های اصولی جایز است؟

ممکن است گفته شود، وقتی اعتبار یک دلیل و اصل به صورت یقینی ثابت شد، تمسک بدان در مسائل فقهی و اصولی جایز است؛ بنابراین، تمسک به استصحاب نیز در مسائل اصولی همچون حجیت صحیح است.

درباره اصل عدم حجیت نیز باید گفت، این اصل مربوط به مواردی است که اصل حجیت یک دلیل از ابتدا محل تردید است. اما اگر دلیلی حجیت آن ثابت شده است، اما به دلیل شک در وجود مانع یا مانعیت موجود و... در استمرار حجیت متقین سابق شک شود، دیگر اصل عدم حجیت جاری نخواهد بود. بلکه مسئله جدیدی مطرح می‌شود که نیازمند به بررسی دارد. آن مسئله عبارتست از تمسک به استصحاب یا سایر اصول علمیه در مسئله اصولی همچون حجیت.

۴. موارد نقض مطرح شده نیز کارآیی چندانی نداشته، نهایتاً اعتبار مطلق قاعده را با خدشه مواجه می‌کند، اما توان نفی مطلق را ندارد و نظریه تفصیل می‌تواند جمع بین موارد نقض و سایر موارد باشد. علاوه بر این که محل کلام، مقام اثبات است و در مقام اثبات، ما تابع میزان دلالت دلیل هستیم، اگر دلیلی قاعده را در برخی موارد ثابت بداند یا برخی موارد را استثنا کند، اصل قاعده با خدشه مواجه نمی‌شود. تا حال مشخص شد، اشکالات وارده به قاعده تبعیض در حجیت ناتمام است، اما صرف ناتمام بودن اشکالات دلیلی بر اثبات قاعده نیست و برای اعتبار بخشیدن به یک قاعده می‌بایست دلیل بر آن اقامه کرد. در ادامه به بررسی ادله اثبات کننده تبعیض در حجیت می‌پردازیم.

ادله قائلان به تبعیض در حجیت

درباره قاعده تبعیض در حجیت، در دو مرحله باید سخن گفت. ابتدا اعتبار فی‌الجمله قاعده و در صورت پذیرش قاعده، محدوده آن بررسی می‌شود که آیا به صورت مطلق و در همه موارد ممکن، تبعیض در حجیت جاری است یا تنها در برخی موارد خاص می‌توان به این قاعده تمسک کرد؟
برای اثبات فی‌الجمله اعتبار قاعده به ادله زیر می‌توان تمسک کرد:

۱. سیره عقلا

از آنجا که دلیل اعتبار خبر واحد سیره عقلایی است، سیره، خود دلیل بر تبعیض در حجیت است و عقلا در همه شئون خود این تبعیض را قائل‌اند (خوبی، ۱۴۲۸، ۷۹۵/۲).

۲. مبنای تعبدی بودن حجیت خبر واحد

بنابر اینکه دلیل حجیت خبر واحد تعبد شرعی باشد، تبعیض در حجیت محذوری ندارد و هر بخشی از روایت به‌عنوان یک خبر تلقی می‌شود و اعتبار و حجیت خود را می‌تواند داشته باشد (ر.ک: مجدد شیرازی، ۱۴۰۹، ۳۱۲/۴؛ صالحی مازندرانی، ۱۴۲۴، ۳۹۰/۴؛ منتظری، بی تا، ۶۸).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۸

بهار ۱۳۹۹

۲۰

۳. قیاس اولویت

وقتی در عامین من وجه قائل به حجیت هر یک در ماده افتراق شوید، به طریق اولی، تبعیض در فقرات یک روایت مشکلی ندارد؛ چون تبعیض در عامین من وجه اشد محذوراً است (جزایری، ۱۴۱۵، ۱۷۴/۸).

۴. مقتضای پذیرش جمع عرفی

مقتضای پذیرش جمع عرفی، پذیرش قاعده تبعیض در حجیت است؛ چون از جمله موارد جمع عرفی تصرف در بخشی از روایت یا کنار گذاشتن بخشی از آن و باقی ماندن بخش دیگر بر حجیت است. برخی نیز به این نکته تصریح کرده‌اند که تخصیص عام همان تفکیک در حجیت مدلول مطابقی و مدلول تضمینی است (حکیم، ۱۴۱۴، ۶۹/۲).

۵. فقدان محذور عقلی، عرفی و شرعی

واکاوی قاعده تبعیض
در حجیت

۲۱

تفکیک در حجیت مدالیل یک روایت، هیچ‌گونه محذور عقلی، عرفی و شرعی ندارد (حکیم، ۱۴۳۱، ۳۶۷/۶). با توجه به این که روایتی که قرار است قاعده در آن جاری شود، شرایط حجیت را داشته است، صرف نداشتن محذور نسبت به تفکیک بین فقرات آن، دلیل بر حجیت بخشی از آن است و تبعیض در حجیت صحیح است. به تعبیر دیگر، وقتی دلیلی، شرایط حجیت را دارد، برای کنار گذاشتن کامل آن نیازمند به دلیل هستیم و تا زمانی که امکان تبعیض در حجیت وجود دارد، نمی‌توان کل روایت را کنار گذاشت.

۶. قاعده آن الضرورات تقدر بقدرها

در باب تعارض بین دو خبر که رابطه عموم من وجه دارد، با توجه به وجود شرایط حجیت، باید به میزان ضرورت از دو روایت متعارض رفع ید کرد؛ بنابراین، حجیت تنها در ماده اجتماع یعنی محل تعارض، ساقط و در ماده افتراق همچنان باقی است (ر.ک: حسینی میلانی، ۱۴۲۸، ۱۹۰/۳).

۷. وقوع موارد فراوان در فقه

در فروع فقهی موارد فراوانی وجود دارد که تبعیض در حجیت در آن اتفاق افتاده است و فقها بر اساس تبعیض فتوا داده‌اند؛ مانند اقامه بینه بر ملکیت خانه برای زید و اقرار زید به مالکیت نصف خانه برای عمرو، یا مواردی که علما به صدر روایت تمسک کرده و به ذیلش تمسک نکرده‌اند (خویی، ۱۴۲۸، ۷۹۵/۲).

۸. عدم تبعیت مدلول تضمینی از مدلول مطابقی

با توجه به این که محل کلام در دلالت تضمینی یک روایت است، باید گفت دلالت بخشی از الفاظ روایت بر مدلول خود، تابع دلالت روایت بر بعض مدلول دیگرش نیست، پس تبعیض در حجیت مشکلی ندارد (حسینی شیرازی، ۱۴۲۷، ۲۳۰/۹).

۹. تبدیل و انحلال یک روایت به دو روایت

حجیت به اعتبار کشف مراد جدی است. پس در موارد تبعیض در حجیت، مشخص می‌شود که یک خبر متضمن دو خبر است (کشف از دو مراد جدی) و یک خبر از آن دو به سبب معارض حجت نیست و خبر دیگر حجت است (خویی، ۱۴۲۸، ۷۹۵/۲).

جستارهای
فقهی و اصولی
سال ششم، شماره پیاپی ۱۸
بهار ۱۳۹۹
۲۲

درباره استدلال‌های مطرح شده نکاتی قابل تأمل است:

۱. تمسک به سیره عقلا چنانچه گذشت، از سوی هر دو گروه مثبتین و نافین قاعده مطرح شده است که می‌تواند نشان از نادرستی استدلال هر دو گروه به سیره باشد.

در توضیح استدلال به سیره باید گفت:

نسبت به چگونگی جریان سیره عقلائی، سه احتمال مطرح است: ۱- سیره با تبعیض در حجیت همراه است؛ ۲- سیره با چنین تفکیکی مساعدت ندارد؛ ۳- سیره در برخی موارد مساعد با تبعیض و در برخی موارد مخالف تبعیض است (صدر، ۱۴۰۸، ۶۸۵/۲). وجود سیره عقلائی مطابق با تبعیض در مدلول تضمینی یک سخن، انکارناپذیر

است. وجود چنین برخوردی از سوی عقلا در زندگی روزمره به خوبی مشاهده می‌شود. دیدگاه‌های مطرح شده از سوی اصولیان نیز شاهد بر این مدعاست؛ زیرا از میان دیدگاه‌های چندگانه مطرح شده، تنها بر اساس یک دیدگاه، وجود چنین سیره‌ای به صورت مطلق انکار شده است، اما دیگر دیدگاه‌ها وجود چنین سیره‌ای را فی‌الجمله پذیرفته‌اند. اما درباره محدوده جریان سیره نمی‌توان به این سادگی اظهار نظر کرد و دیدگاه‌ها در این باره مختلف است. با توجه به اختلاف نظر مطرح شده، به نظر می‌رسد وجود سیره بر اثبات قاعده فی‌الجمله مورد پذیرش بوده و باید پذیرفت سیره در برخی موارد با تفکیک همراهی دارد و در برخی موارد چنین مساعدتی ندارد. وجود اقوال تفصیلی در مسئله که عموماً نیز دلیل حجیت خبر واحد را سیره عقلا می‌دانند، مؤید این تفاوت و تفصیل است.

۲. استدلال بر اساس مبنای تبعیدی بودن حجیت خبر واحد نیز علاوه بر این که استدلالی علی‌المبناست و مشکل را بر اساس نظر مشهور که حجیت را از طریق سیره عقلایی قائل‌اند، حل نمی‌کند؛ استدلالی ناقص است و نتیجه مدّ نظر را به اثبات نمی‌رساند؛ زیرا این استدلال تنها ثابت می‌کند که شارع می‌تواند تبعیض در حجیت را بپذیرد و بیان کند که بخشی از روایت حجت باشد، اما آیا چنین کرده است؟! برای اثبات تبعیض در حجیت نیاز به تکمیل استدلال و اثبات خارجی چنین تفکیک می‌باشد. به تعبیر دیگر، این استدلال امکان را به لحاظ ثبوتی ثابت می‌کند، اما وقوع خارجی و در مقام اثبات را، حتی به صورت فی‌الجمله ثابت نخواهد کرد.

۳. قیاس اولویت نیز تنها برای کسانی تمام است که تبعیض در حجیت را در عامین من‌وجه پذیرفته‌اند؛ به تعبیری این استدلال محدوده قاعده را توسعه می‌دهد و آن‌را به تعارض عموم من‌وجه منحصر نمی‌داند و موارد دیگر را مشمول آن می‌داند؛ اما اگر کسی قاعده تبعیض در حجیت را در عامین من‌وجه پذیرفته باشد، این استدلال چیزی را اثبات نمی‌کند؛ بنابراین، استدلال به قیاس اولویت برای بحث تعیین محدوده قاعده مفید خواهد بود، ولی برای اثبات اصل قاعده حتی به صورت فی‌الجمله مفید نیست.

۴. جمع عرفی نیز صرفاً اعتبار قاعده را فی‌الجمله ثابت می‌کند، نه اعتبار مطلق

آنرا؛ چون همین عرفی که خود قائل به جمع در برخی موارد است، ممکن است در مواردی تفکیک در مدلول روایت را نپذیرد یا موارد مشکوک باشد که در این صورت باید به قدر متیقن اکتفا کرد.

۵. فقدان محذور عقلی مورد پذیرش است؛ زیرا بیان شد از نظر ثبوتی مشکلی برای قاعده وجود ندارد. اگر منظور از فقدان محذور عقلی همان بحث ثبوتی است که خارج از محل کلام است. ممکن است گفته شود که مراد، عدم محذوریت وقوعی است که در این صورت، با مقام اثبات مرتبط شده و می تواند در صورت نبود محذور عرفی و شرعی،^۱ قاعده را فی الجمله ثابت کند. فقدان محذور شرعی هم اگرچه بنا بر مبنای تبعیدی بودن حجیت خبر واحد مفید است و بر قاعده دلالت دارد، بیان شد که مبنای مشهور بر حجیت از باب سیره عقلائیه است. البته بنا بر مبنای مشهور، عدم محذور شرعی، مفید فایده و برای اثبات حجیت سیره، لازم است؛ چون محذور شرعی مانع حجیت و اعتبار سیره یا به تعبیری امضای سیره است. در این صورت، بحث در اثبات سیره است که بیان شد چنین سیره‌ای بر اثبات یا نفی به صورت مطلق وجود ندارد. پس باید به محدوده وجود و دلالت سیره پرداخت. فقدان محذور عرفی هم چیزی جز همان سیره عقلائیه نیست.

در هر حال، به نظر می‌رسد این استدلال نیز اعتبار قاعده تبعیض در حجیت را فی الجمله در پی دارد.

۶. نتیجه قاعده ضرورت نیز اثبات اعتبار مطلق برای قاعده نیست؛ چرا که ممکن است در پاره‌ای موارد، سیره عقلایی بر ترک تمام فقرات یک روایت در صورت وجود مشکل در بخشی از روایت باشد. در این صورت، با نبود سیره عقلائیه، حجیت کل روایت مخدوش است و قاعده کاربردی در لاجت ندارد؛ به بیان دیگر، ابتدا باید محدوده سیره عقلائیه بررسی شود و در مواردی که حجیت و اعتبار از دیدگاه سیره ثابت شد، این قاعده می‌تواند به عنوان دلیلی در برابر منکران، بر تقویت قاعده

۱. علت این که محذور عرفی یا شرعی نیز نباید باشد، این است که بحث در اعتباریات است و در امور اعتباری، مانع شرعی و در امور واگذار شده به عرف، مانع عرفی، بازگشت به مانع عقلی دارند؛ لذا اگر محذور عرفی یا شرعی موجود باشد، به معنای وجود محذور شرعی است (ر.ک: خراسانی، ۱۴۰۹، ۹۱).

جاری و ساری شود.

۷. وقوع موارد فراوان از تفکیک در فقه، هر چند به عنوان یک دلیل نمی تواند در مقام اثبات قاعده نقش ایفا کند، می تواند مؤیدی بر قاعده باشد؛ زیرا تنها در صورتی بر مدعا دلالت دارد که در تمام موارد یادشده به اتفاق فقها (موافقان و مخالفان) بر اساس تبعیض در حجیت، مورد حکم و فتوا قرار گرفته باشند. در ضمن این استقراء ناقص است؛ بنابراین، چنین مواردی در فقه تنها می تواند مؤید اثبات قاعده به صورت موجبه جزئی باشد.

۸. عدم تبعیت مدلول تضمینی از مدلول مطابقی نیز فی الجمله اعتبار قاعده را ثابت می کند نه مطلقاً؛ زیرا ممکن است موانع دیگری وجود داشته باشد که مانع بقای اعتبار و دلالت بخشی از روایت شود.

۹. تبدیل و انحلال یک روایت به دو روایت هم قاعده را به صورت مطلق ثابت نمی کند، بلکه در مواردی که این انحلال مورد پذیرش عقلا باشد، کاربرد دارد. اما اعتبار فی الجمله از آن به دست می آید.

واکاوی قاعده تبعیض
در حجیت

با توجه به بررسی های صورت گرفته می توان گفت از میان ادله نه گانه اقامه شده بر اعتبار قاعده تبعیض در حجیت، هفت دلیل آن بر اعتبار فی الجمله دلالت دارند و تنها دو دلیل اعتبار تبعیدی خبر واحد و قیاس اولویت، مفید نیست.

۲۵

محدوده قاعده

با توجه به پذیرش اعتبار فی الجمله قاعده، نوبت به بررسی محدوده قاعده می رسد؛ یعنی در چه مواردی می توان قاعده تبعیض در حجیت را جاری کرد. ابتدا به نظر می رسد مروری بر دیدگاه های تفصیلی درباره قاعده لازم باشد؛ زیرا این دیدگاه ها در واقع، نشان دهنده محدوده های مختلفی است که برای جریان قاعده از سوی فقها مطرح شده است.

۱. تفصیل بر اساس مبنای حجیت خبر واحد

در این دیدگاه، اگر دلیل حجیت خبر واحد سیره عقلایی باشد، تفکیک در

حجیت ناتمام است، اما بنابر تعبدی دانستن حجیت خبر واحد، تفکیک صحیح است؛ چون بنابر مبنای تعبد، دایره قاعده تبعیض در حجیت فراخ بوده و شامل تمام موارد می شود (مجدد شیرازی، ۱۴۰۹، ۳۱۲/۴؛ طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۶، ۲۴۸؛ خمینی، ۱۴۲۱، ۲۷۳/۲؛ منتظری، بی تا، ۶۸؛ خمینی، ۱۴۱۸، الخلل فی الصلاة، ۲۱۶).

این تفصیل ناتمام است؛ چون کنار گذاشتن قاعده بر اساس سیره عقلا ناتمام است؛ زیرا بر اساس سیره باید پذیرفت که در مواردی این قاعده جاری است و برای تعیین محدوده آن باید به سیره مراجعه کرد و موارد جریان قاعده را از موارد عدم جریان آن شناسایی نمود. همچنین بنابر مبنای تعبد، این گونه نیست که محدوده قاعده به صورت مطلق ثابت باشد؛ زیرا گذشت که این مبنا در اصل اعتبار قاعده کاربرد ندارد، چه برسد به تعیین محدوده آن، بلکه تنها مقام ثبوت و امکان را ثابت می کند. برای مقام اثبات و تعیین محدوده قاعده باید به ادله ای که ما را به حجیت خبر واحد متعبد کرده، مراجعه شود. ابتدا باید دید آیا ادله شامل حجیت در فرض تفکیک بین فقرات روایات هم می شود؟ اگر پاسخ مثبت است، ظهور ادله به چه میزان است؟

در هر حال، بنابر مبنای تعبد نیز باید به سیره مراجعه کرد؛ زیرا در این مبنا، سر و کار با ظهور ادله است که برای تعیین ظهور و میزان آن باید به عرف و عقلا مراجعه کرد که آیا ایشان، تفکیک در حجیت را از ادله برداشت می کنند؟ در صورت برداشت قاعده از ادله، ظهور ادله چه محدوده ای را شامل می شود؟

بنابراین، به نظر می رسد بنابر هر دو مبنا، نیازمند تعیین محدوده سیره عقلایی هستیم؛ چون عقلا بر اساس محدوده سیره خود، ادله را تحلیل و برداشت می کند.

۲. تفصیل بر اساس دلالت تضمینی تحلیلی و غیر تحلیلی

این تفصیل ناظر به این است که در دلالت تضمینی تحلیلی، تبعیض در حجیت صحیح نیست، اما در دلالت تضمینی غیر تحلیلی این قاعده جاری است (صدر، ۱۴۱۷، ۲۵۰/۷-۲۵۱). به علت این که دلالت تضمینی تحلیلی در واقع یک تحلیل عقلی است (تعدّد و استقلالی وجود ندارد) و تنها یک مدلول وجود دارد، لذا تبعیض در آن

بی معناست.^۱ اما دلالت تضمنی غیرتحلیلی، دلالتی است که دارای افراد واقعی، متعدد و مستقل است و تفکیک بین آن‌ها معنا دارد. از نظر عقلا تفکیک در این موارد مشکلی ندارد.

۳. تفصیل بر اساس پیوسته یا ناپیوسته بودن بخش‌های یک دلیل

تفاوت این تفصیل با دیدگاه قبل این است که این نظر بر اساس وجود واقعی بخش‌های مختلف در روایت مطرح است؛ بدین گونه که آیا بخش‌های مختلف، از نظر دلالتی با یکدیگر مرتبط و پیوسته هستند یا خیر؟ اگر پیوسته‌اند، تفکیک بین آن‌ها در حجیت صحیح نیست و با سقوط حجیت بخشی از روایت، تمام فقرات روایت دچار شک و اجمال می‌شود و از حجیت ساقط می‌گردد. اما اگر فقرات روایت مستقل و از نظر دلالتی بی‌ارتباط با یکدیگر باشند، سقوط حجیت از بخشی به بخش دیگر سرایت نمی‌کند و فقرات بدون اشکال، همچنان بر حجیت خود باقی می‌باشند. (ر.ک: طباطبایی حکیم، بی تا، ۳۲۸/۵؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ۱۴۰/۱۱-۱۴۱؛ مختاری و صادقی، ۱۴۲۶، ۱۰۳۶/۲) اما در تفصیل قبل به پیوستگی و ناپیوستگی بخش‌ها بی تفاوت و تنها به وجود واقعی بخش‌ها ناظر است؛ برای مثال، در روایتی از امام رضا علیه السلام درباره نفاس آمده است (وَ الْتُقْسَاءُ لَا تَقْعُدُ عَنِ الصَّلَاةِ أَكْثَرَ مِنْ ثَمَانِيَةِ عَشَرَ يَوْمًا، فَإِنْ طَهَّرْتَ قَبْلَ ذَلِكَ صَلَّتْ) (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۱۲۵/۲). این روایت مشتمل بر دو بخش است که به لحاظ دلالتی پیوستگی با یکدیگر ندارند. بخشی از روایت، زمان حداکثری و بخشی دیگر زمان حداقلی را برای نفاس بیان می‌کند که می‌توان بین این دو بخش تفکیک کرد و هر چند نسبت به زمان حداکثری، روایت را معتبر ندانسته و ملتزم بدان نشده است، اما در بخش حداقلی، می‌توان روایت را معتبر دانست (طباطبایی حکیم، بی تا، ۳۲۸/۵).

واکاوی قاعده تبعیض
در حجیت

۱. مثلاً اگر شخص ثقه‌ای خبر بدهد که زید در خانه است و ما یقین داریم که زید در خانه نیست، نمی‌توان گفت، به تحلیل عقلی، زید کلی انسان نیز هست. پس هر چند این خبر درباره وجود زید حجت نیست، اما نسبت به وجود کلی انسان در خانه، همچنان حجت است (صدر، ۱۴۱۷، ۲۵۰/۷-۲۵۱).

دیدگاه مختار

به نظر می‌رسد برای داوری میان انظار مطرح شده، می‌بایست به تحلیل سیره عقلایی پرداخت؛ زیرا دیدگاه حق در مسئله مبتنی بر شناسایی دقیق سیره است و تمام دیدگاه‌های مرتبط با قاعده تبعیض در حجیت، با سیره عقلایی مرتبط‌اند، حال، چه پیش‌فرض و مبنای آن‌ها حجیت خبر واحد از باب سیره عقلایی باشد که نظر مشهور بر این است یا چون سیره در تعیین مدلول و ظهورات ادله تبعیدی حجیت خبر واحد نقش ایفا می‌کند، بدان محتاجیم.

نسبت به سیره عقلایی چند نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. سیره عقلایی چه به‌عنوان دلیل بر حجیت خبر واحد و چه به‌عنوان ابزاری جهت استفاده از ادله تبعیدی، هیچ‌گونه پذیرش مطلق یا رد مطلق قاعده را به اثبات نمی‌رساند؛ چون هر چند وجود چنین سیره‌ای قطعی بوده و قابل انکار نیست، اما وجود اقوال مختلف در محدوده جریان سیره نسبت به قاعده، نشان می‌دهد اثبات یا رد مطلق به‌وسیله آن ناتمام است؛ در نتیجه، باید به قدر متیقن از سیره که برخی موارد به‌صورت فی‌الجمله است، اکتفا کرد؛ بنابراین، سیره عقلا - به‌صورت فی‌الجمله - وجود چنین قاعده‌ای را ثابت می‌کند. دیگر این که، وجود مواردی همچون جمع عرفی که نشان می‌دهد این تفکیک به هر حال در مواردی به‌صورت موجب جزئیة اتفاق افتاده است.

سیره به‌عنوان ابزار نیز مثبت و نافی قاعده به‌صورت مطلق نیست؛ چون با وجود ادله به‌ظاهر مطلق در حجیت خبر واحد که شامل موارد تفکیک در حجیت هم می‌شود، عرف و عقلا چنین اطلاقی را از ادله استفاده نکرده‌اند. اختلاف موجود بین علما در این بحث خود مؤید نبود برداشت اطلاقی از ادله است.

۲. سیره عقلایی دلیلی لئی است، و بر اساس قانون جاری در ادله لئی، باید به قدر متیقن آن اکتفا کرد و در موارد شک قابل تمسک نیست؛ لذا در تعیین محدوده قاعده تنها می‌توان به مواردی که قطعاً سیره در آن جاری است، تمسک کرد. با توجه به نکات بیان شده به نظر می‌رسد قدر متیقن از سیره عقلایی آن است

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۸

بهار ۱۳۹۹

۲۸

که اگر دلالت تضحی، غیرتحلیلی باشد و فقرات یک روایت نیز مستقل و دارای احکام مستقل باشند، تبعیض در حجیت پذیرفتنی بوده و این قاعده جاری است. برای مثال در نامه امام رضا علیه السلام به مأمون تحت عنوان محض الاسلام، فقرات متعدد و احکام مختلفی در زمینه نماز، حج، غسل و... مطرح است (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۱۲۱/۲-۱۲۷). این روایت دارای فقرات و مضامین متعددی است که هر یک مستقل و دارای احکام مستقلی است؛ لذا اگر بخشی از این روایت به هر دلیلی از اعتبار ساقط شود، بخش‌های دیگر روایت که مستقل هستند بر اعتبار و حجیت خوب باقی است و قابلیت تمسک را دارند.

اما اگر دلالت تضمینی تحلیلی باشد یا غیرتحلیلی مرتبط و دارای حکم واحد باشند، جریان سیره بر تفکیک اگر معلوم‌العدم نباشد، لااقل مشکوک است و با توجه به لُبّی بودن سیره، نمی‌توان در موارد مشکوک قاعده را جاری ساخت. این تفصیل با ادله هفت‌گانه اعتبار قاعده تبعیض در حجیت سازگار است؛ مثلاً در روایت «إِذَا تَطَوَّقَ الْهَلَالَ فَهُوَ لِلْيَلْتَنِ وَإِذَا رَأَيْتَ ظِلَّ رَأْسِكَ فِيهِ فَهُوَ لِثَلَاثَ لَيَالٍ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۱۲۴/۲). دو معیار برای تشخیص روز دوم و سوم ماه بیان شده است. درباره هر دو معیار مطرح شده اشکالاتی مطرح است. عده‌ای فقره اول را دچار اشکال دانسته و قائل‌اند این معیار به اجماع مورد پذیرش نیست (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۱۲۴/۲ پاورقی) برخی نیز فقره دوم را خلاف واقع دانسته‌اند (مختاری و صادقی، ۱۴۲۶، ۱۰۳۶/۲).

با توجه به این که دو معیار مطرح شده در روایت مرتبط با یکدیگر و مترتب بر هم هستند (چون دو معیار برای دو روز پشت سر هم از ماه است)، تفکیک بین دو فقره جایز نیست و نمی‌توان برای مثال، بخش اول را که خلاف اجماع است، حجت ندانست و معیار دوم را حجت دانست یا بر عکس، معیار دوم را ناتمام دانست اما همچنان بر اعتبار روایت درباره معیار اول پای فشرد.

البته توجه به نکته زیر درباره قاعده تبعیض در حجیت نیز لازم است:

تبعیض در حجیت جایی صحیح است که متعلق حجیت، قابلیت تفکیک‌پذیری را داشته باشد؛ بنابراین، مثلاً این که در اخبار من بلغ بین لزوم انجام و منع از ترک تفکیک قائل شده و قائل شویم اخبار من بلغ تنها بخش اول را ثابت می‌کند

(استحباب)، در صورتی معنا دارد که معنای وجوب مرکب فرض شود. اما اگر وجوب دارای معنای بسیط باشد، دیگر متعلق، قابلیت تبعیض را ندارد (نورمفیدی، ۱۳۸۴، جلسه ۲۲).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی‌های صورت گرفته نتایج ذیل نسبت به قاعده تبعیض در حجیت حاصل می‌شود.

۱. قاعده دارای خاستگاه‌های مختلفی در علم اصول است که یکی از آنها تبعیض به لحاظ مدلول تضمینی ادله است.

۲. قاعده دارای هیچ‌گونه محذور عقلی و ثبوتی نیست.

۳. به لحاظ دلالتی، ادله هفت‌گانه‌ای بر اثبات قاعده وجود دارد که حجیت آن‌را فی‌الجمله ثابت می‌کند.

۴. سیره عقلا در تعیین محدوده قاعده بر اساس تمامی دیدگاه‌ها نقش بسزایی داشته و کلید اصلی تعیین محدوده این قاعده است.

۵. دیدگاه حق درباره قاعده تبعیض در حجیت مدلول تضمینی، دیدگاه تفصیلی است؛ بدین صورت که اگر دلیل دارای دلالت تضمینی غیرتحلیلی بوده و فقرات آن نیز مستقل و دارای احکام جداگانه باشند، چنین تبعیضی صحیح و پذیرفتنی است، اما اگر دلالت تضمینی تحلیلی بوده یا فقرات با یکدیگر پیوسته باشند، قاعده جاری نیست.

۶. قابلیت تبعیض‌پذیری دلیل نیز از دیگر نکات مورد توجه در جریان قاعده است.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۸

بهار ۱۳۹۹

۳۰

منايع و مأخذ

١. آخوندخراساني، محمدكاظم، (١٤٠٩ق). كفاية الأصول، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
٢. آملی، ميرزا محمدتقی، (١٣٨٠ق). مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، تهران: مؤلف.
٣. آملی، ميرزاهاشم، (١٣٩٥ق). مجمع الأفكار و مطرح الأنتظار، مقرر: محمدعلی اسماعیل پور قمشه ای، قم: المطبعة العلمية.
٤. —، (١٤٠٦ق). المعالم المأثورة، مقرر: محمدعلی اسماعیل پور قمشه ای، قم: مؤلف الكتاب.
٥. ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن علی، (١٤١٣ق). من لا يحضره الفقيه، مصحح: علی اكبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
٦. اراکی، محمدعلی، (١٣٧٥). أصول الفقه، قم: مؤسسه در راه حق.
٧. اصفهانی، محمدتقی، (١٤٢٩ق). هداية المسترشدين، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
٨. انصاری، مرتضی، (١٤١٦ق). فرائد الأصول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم.
٩. بروجردی، سيدحسين طباطبائی، (١٤١٦ق). البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر، مقرر: حسين علی منتظری، قم: دفتر حضرت آية الله.
١٠. جزایری، محمدجعفر، (١٤١٥ق). منتهی الدراية فی توضیح الكفاية، قم: مؤسسه دار الكتاب.
١١. جمعی از پژوهشگران، (١٤٢٣ق). موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت عليه السلام، زیر نظر سيد محمود هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بيت عليه السلام.
١٢. حسینی روحانی، سيدمحمد، (١٤١٣ق). منتقى الأصول، مقرر: عبدالصاحب حکيم، قم: دفتر آيت الله سيد محمد حسینی روحانی.
١٣. حسینی شیرازی، سيدصادق، (١٤٢٦ق). بيان الفقه فی شرح العروة الوثقی: الإجتهد و التقليد، قم: دار الانصار.
١٤. —، (١٤٢٧ق). بيان الأصول، قم: دار الانصار.
١٥. حسینی میلانی، سيدعلی، (١٤٢٨ق). تحقيق الأصول، قم: الحقائق.
١٦. حکيم، سيدمحمد سعيد طباطبائی، (١٤١٤ق). المحکم فی أصول الفقه، قم: مؤسسة المنار.
١٧. —، (١٤٢٥ق). مصباح المنهاج: كتاب الصوم، قم: دار الهلال.
١٨. —، (١٤٣١ق). التنقيح، بيروت: مؤسسه الحكمة الثقافه الاسلاميه.

۱۹. —، (بی تا). **مصباح المنهاج: کتاب الطهارة**. قم: مؤسسه المنار.
۲۰. حکیم، سید محسن طباطبائی، (۱۴۱۶ق). **مستمسک العروة الوثقی**، قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۲۱. حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن، (۱۴۲۳ق). **معارج الأصول**، لندن: مؤسسه امام علی علیه السلام.
۲۲. حلی، حسین، (۱۴۳۲ق). **أصول الفقه**. قم: مکتبه الفقه و الاصول المختصه.
۲۳. خرازی، محسن، (۱۴۲۲ق). **عمدة الأصول**، قم: مؤسسه در راه حق.
۲۴. خمینی، سیدروح الله موسوی، (۱۴۲۱ق). **کتاب الطهارة**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۵. خمینی، سیدمصطفی، (۱۴۱۸ق). **الخلل فی الصلاة**، مصحح: گروه پژوهش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۶. —، (۱۴۱۸ق). **تحریرات فی الأصول**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۷. خویی، سیدابوالقاسم موسوی، (۱۴۲۸ق). **غایة المأمول**، مقرر: محمدتقی جواهری، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۲۸. خویی، سیدابوالقاسم موسوی، (۱۴۲۲ق). **مصباح الأصول**، مقرر: محمد سرور واعظ حسینی بهسودی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی علیه السلام.
۲۹. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق). **عیون أخبار الرضا علیه السلام**، مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۳۰. صالحی مازندرانی، اسماعیل، (۱۴۲۴ق). **مفتاح الأصول**، قم: صالحان.
۳۱. صدر، سیدمحمدباقر، (۱۴۰۸ق). **مباحث الأصول**، مقرر: کاظم حسینی حائری، قم: مطبعة مرکز النشر - مکتب الإعلام الإسلامی.
۳۲. —، (۱۴۱۷ق). **بحوث فی علم الأصول**، مقرر: حسن عبد الساتر، بیروت: الدار الاسلامیه.
۳۳. —، (۱۴۱۷ق). **بحوث فی علم الأصول**، مقرر: سید محمود هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۳۴. صرامی، سیف الله، «استناد به ادله ظنی در اصول فقه»، **کاوشی نو در فقه**، ۱۳۹۲، سال ۲۰، شماره ۱، بهار، صص ۴-۲۰.
۳۵. صنقر، محمد، (۱۴۲۸ق). **المعجم الأصولی**، بی جا: منشورات الطیار.
۳۶. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، (۱۴۱۴ق). **غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد**، محقق: رضا مختاری، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۸

بهار ۱۳۹۹

۳۲

۳۷. عراقی، ضیاء الدین، (۱۴۱۱ق). **منهاج الأصول**، تقریر: محمدابراهیم کرباسی، بیروت: دار البلاغة.
۳۸. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۳۰ق). **دراسات في الأصول**، مقرر: صمدعلی موسوی، قم: مرکز فقه الاطهار عليه السلام.
۳۹. قمی (میرزای قمی)، ابوالقاسم، (۱۴۳۰ق). **القوانين المحكمة في الأصول**، قم: إحياء الكتب الإسلامية.
۴۰. مجدد شیرازی، محمدحسن، (۱۴۰۹ق). **تقريرات آية الله المجدد الشيرازي**، تقریر: مولی علی روزدری، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۴۱. محقق داماد، سیدمحمد، (۱۳۸۲). **المحاضرات (مباحث اصول الفقه)**، تقریر: سید جلال الدین طاهری اصفهانی، اصفهان: مبارک.
۴۲. محمدی، علی، (۱۳۸۷). **شرح رسائل**، قم: دار الفکر.
۴۳. مختاری، رضا و صادقی، محسن، (۱۴۲۶ق). **رؤیت هلال**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۴. مصطفوی، محمدکاظم، (۱۴۲۶ق). **القواعد الفقهية**، قم: مرکز العالمی للدارسات الاسلامیه.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۸ق). **انوار الأصول**، مقرر: احمد قدسی، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب عليه السلام.
۴۶. منتظری، حسین علی، (۱۴۲۸ق). **كتاب الصوم**، قم: انتشارات ارغوان دانش.
۴۷. منتظری، حسین علی، (بی تا). **كتاب الحدود**، قم: دار الفکر.
۴۸. نورمفیدی، سیدمجتبی، (۱۳۸۴). **درس خارج: جلسه ۲۲**، به آدرس: <http://www.m-noormofidi.com/print2.asp?id=2854>
۴۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۴۰۸ق). **بحوث في شرح العروة الوثقى**، قم: مجمع الشهيد آية الله الصدر العلمي.
۵۰. همدانی، رضا، (۱۳۷۷ق). **الفوائد الرضوية على الفرائد المرتضوية**، تهران: کتاب فروشی جعفری تبریزی.

